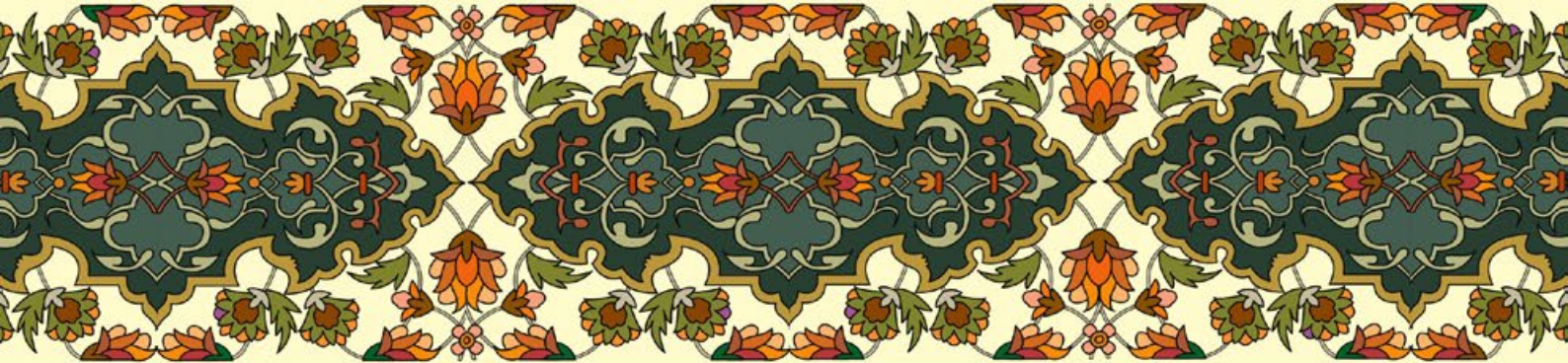




پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



شماره: ۲۵

عنوان: «از لقمه‌هایی که می‌شویم!»

نویسنده: خسرو زند کریمی

تاریخ: ۱۳۹۴/۵/۱۶

توجه: دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی‌شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى

بسم الله الرحمن الرحيم



برای لقمه نانی می‌رویم سر کار. گاهی دیر می‌رویم. گاهی دروغی می‌گوییم. گاهی تصمیم می‌گیریم وامی بگیریم تا معیشت‌مان بهتر شود. ربای کوچکی می‌دهیم (همان کارمزد خودمان!)، گاهی قرضی می‌گیریم، زیادتر پس می‌دهیم. خلاصه در آخر ماه نانی می‌گیریم و می‌گذاریم بر سر سفره‌مان. می‌خوریم. از آن نان نطفه‌ها شکل می‌گیرد. فرزندانمان به دنیا می‌آیند. پسرمان بزرگ می‌شود. تک تک سلول‌هایش با همان نان شکل می‌گیرد. پدر می‌شود. پدر یک خانواده. دخترمان بزرگ می‌شود. رشد می‌کند. می‌شود مادر یک خانواده. یک روز به خودمان می‌آییم و می‌پرسیم: چرا بی اخلاقی زیاد شده است؟ چرا نمازها قضا می‌شود؟ چرا نمازها بالا نمی‌رود؟ چرا قرآن نمی‌خوانیم؟ چرا قرآن را نمی‌فهمیم؟ چرا به قرآن عمل نمی‌کنیم؟ چرا از سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ناآگاهیم؟ چرا از حقیقت، از حکمت، از نصیحت بدمان می‌آید؟ چرا حرف حساب

در سرمان نمی‌رود و حوصله‌ی مان را سر می‌برد؟ چرا دروغ می‌گوییم و به سادگی تهمت می‌زنیم؟ چرا در برابر ظلم سکوت می‌کنیم؟ چرا خلیفه‌ی خدا را از یاد برده‌ایم؟ چرا امامان را فراموش کرده‌ایم؟ چرا برایمان مهم نیست که کیست؟ چه می‌کند؟ چرا سر جایش نیست؟! چرا؟ چرا؟.... غافل از آنکه همه چیز از همان لقمه‌ی نان شروع شد.

کافی است به اطرافمان نگاه کنیم. در می‌یابیم که این نان چه غوغایی می‌کند! چه تأثیرات شگرفی در زندگی مادی و معنوی و دنیوی و اخروی مردم گذاشته است. چگونه بر کلام و مرام مردم اثر می‌گذارد و منش آن‌ها را تغییر می‌دهد.

امروز بزرگ‌مردی آمده است آزاده، عالم، بی‌ادعا، خیرخواه و وارسته و با بیانی متین، مردم را به بهترین راه یعنی راه قرآن فرا می‌خواند و از بدعت‌ها و کژی‌ها بر حذر می‌دارد. با کتاب خود که بهترین و خالص‌ترین کتاب‌هاست، حقایق ارزشمندی را که بیش از هزار سال است از چشم مردم پنهان نگه داشته شده است بیان می‌کند. با گفتار خود راه حق را که متروکه شده است و کسی در آن گام نمی‌نهد نشان می‌دهد. با چراغی که در دست دارد راه را روشن می‌کند و ابهامات را برطرف می‌سازد و تیرگی‌ها را رفع می‌کند و معضلات را حل می‌نماید. راهی عملی، واقعی و در دسترس برای تحقق حاکمیت امام مردم پیش رویشان می‌گذارد و عملاً با قول و فعل خود برای ظهور آن جناب زمینه‌سازی می‌نماید، اما مردم به زندگی خود مشغولند و به جای حمایت از این عالم ربّانی، جناب منصور هاشمی خراسانی، از جَبّاران و منافقان و مزدوران و منحرفان و سفاکان و شیادان و مستکبران و ظالمان و کافران و فاسدان و غاصبان حمایت می‌کنند!!!

انصاف باید داد که این شیوه‌ی برخورد مردم با حقیقت که البته پیشینه‌ای به درازای تاریخ اسلام دارد، لایه‌ی درونی و ریشه‌ای‌تری دارد که باید شناخته شود. یکی از این ریشه‌ها همین اموال شبه‌ناک است که در زندگی مردم وارد می‌شود و آثاری وضعی دارد و برکت را از بین می‌برد و توفیق را سلب می‌کند و دل را قسی می‌گرداند. مسلماً با نگاه ماتریالیستی و ملحدانه، این پندار شاید بی‌معنا جلوه کند، اما واقع آن است که این حقیقتی است انکارناپذیر که در دین مبین اسلام نیز شدیداً مورد تأکید و توجّه قرار گرفته است؛ چنانکه در قرآن کریم با تأکید بر

توجّه به طعامی که انسان می خورد می فرماید: ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ﴾؛ یعنی انسان باید به طعامش بنگرد. این نگرستن به طعام، نگرستن به پاکی، حلال بودن، صحیح، سالم، مفید و متناسب بودن طعام، شاید در نگاه اول امری ساده به نظر برسد، امّا وقتی می بینیم همین طعام بنیان نسل ها را می سازد و در کنار عوامل دیگر، ملّتی را سعید یا شقی می گرداند، متوجّه تأکید قرآن می شویم. پس باید هوشیار باشیم که پولی که در می آوریم از چه راهی است. آیا به حقّ مردم آمیخته نیست؟ آیا حرام آن را آلوده نساخته است؟ آیا حقوق شرعی آن را پرداخت کرده ایم؟ خمس و زکات آن را داده ایم؟ به چه کسانی داده ایم؟ به راهزنان راه خدا و چپاولگران و غاصبان حقّ خلیفه‌ی خدا داده ایم تا با آن خون‌های مظلومان را بریزند و مردمان را از راه خدا بازدارند و فرج را به تأخیر بیندازند یا در طریق حقّی که قرآن و سنّت آن را تبیین فرموده و عقل بدان حکم می کند پرداخته ایم؟ این‌ها سوالات مهمّی است که هر پدری باید بدان پاسخ دهد. هر کس نانی بر سر سفره‌ای می آورد با هر سطح و مقامی باید بدان پاسخ گوید. واقع آن است که وقتی به تاریخ خونین اسلام می نگریم، هر کجا قرآن پامال گردیده و مهجور شده و خلیفه‌ی خدا تنها مانده و خونش ریخته شده است، هر کجا مظلومان را به خاک و خون کشیده‌اند و مردمان را از راه حق باز داشته‌اند، همواره ردّ پای لقمه‌های حرام و نطفه‌های حرام دیده می شود. کالبدی که خونش از نان حرام شکل گرفته و در رگ‌هایش جوشیده است و تک تک یاخته‌هایش با این خون رشد نموده است، رمق آن را ندارد که برای نماز صبح برخیزد! چطور می خواهد در برابر یک جهان جاهل و ظلم و بدعت بایستد و با همه‌ی وجود دعوت مهدی علیه السلام را لبیک بگوید؟! چطور می تواند با صفای دل و خلوص نیت، زنجیرهای تکبر و تعصّب و تقلید را بگسلد و تمام منیّت‌ها را زیر پا نهد و برای جهاد در راه خدا و تحقّق خلافت خلیفه‌ی خدا به پا خیزد و زمینه‌ساز راستین آن، جناب منصور هاشمی حفظه الله را در این راه نورانی و بزرگ یاری کند! سفره‌ای که بر سر آن لقمه‌ای حرام وجود دارد دیگر کجا نور و برکت دارد و منشأ خیرات عظیم می شود؟ اینجاست که باید بسیار احتیاط نمود و تقوا پیشه کرد.

امروز متأسفانه در جوامع اسلامی رباخواری با عناوین مختلف و توجیهات گوناگون چون سود و نزول و کارمزد و امثالهم، در مناسبات اقتصادی و تعاملات مالی مردم جریان دارد و اموال مردم را آلوده ساخته است و زندگی‌هایشان را به آتش می‌کشد، در حالی که در قرآن کریم صریحاً تأکید می‌فرماید که معاملات صحیح و شرعی و خرید و فروش با ربا یکسان نیست **﴿قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا﴾** **وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾**^۱ و انذار را به آنجا می‌رساند که از ربا به جنگ با خداوند و رسولش تعبیر می‌کند: **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾** **﴿فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾**^۲. آیا این همه تأکید و انذار خداوند جز به خاطر اهمیت این مسأله است؟ مسلمانان باید متوجه این کید خطرناک شیطان لعین باشند؛ چراکه خداوند جهانیان از آن خبر داده و فرموده است که ابلیس خبیث در اموال و اولاد مردم مشارکت خواهد کرد: **﴿وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ﴾**^۳. این امر پیچیده‌ای است که حضرت علامه در کتاب شریف «بازگشت به اسلام» در افقی وسیع بدان می‌پردازند. ایشان بر خلاف تصوّر رایج که دشمنی شیطان را یک دشمنی نمادین و غیر واقعی و صرفاً در جهت وسوسه برای انجام کارهای زشت فردی می‌داند، دشمنی شیطان را یک دشمنی عینی و تمام عیار می‌دانند که شؤون مختلف اجتماعی را در بر می‌گیرد؛ چنانکه در فرازی از کتاب می‌فرمایند:

«شیطان این پیر کارآزموده، برای پیروزی بر خداوند و دستیابی به سلطه‌ی بر جهان، از اهرم سیاست، مانند اهرم فرهنگ و اقتصاد، بهره گرفته و در پی هزاران سال تلاش، موفق به طراحی و ایجاد نظامی فراگیر و منسجم در زمین شده که در بالاترین سطح خود، مبتنی بر مدیریت او و فارغ از مدیریت خداوند است. این نظام فراگیر و منسجم جهانی، مانند یک هرم است که شیطان در رأس آن قرار گرفته و تبعاً کلّ ساحه‌ی آن، تحت اشراف و سلطه‌ی اوست. در این موقعیت، او ممکن است هر حاکم را به صورت مستقیم و جداگانه تعیین نکند، ولی دستگاهی را تولید کرده

۱. البقرة / ۲۷۵

۲. البقرة / ۲۷۸ و ۲۷۹

۳. الإسراء / ۶۴

است که به صورت خودکار و بدون نیاز به مباشرت او، حاکمان دلخواه او را تولید می‌کند و در خدمت او قرار می‌دهد؛ همچنانکه ثروتمندان و دانشمندان دلخواه او را تربیت می‌کند و در خدمت او قرار می‌دهد. در چنین چرخه‌ای، کسی که مورد رضایت شیطان و در خدمت اهداف او نیست، عادتاً به حاکمیت دست نمی‌یابد؛ همچنانکه به ثروت و شهرت چندانی نمی‌رسد؛ زیرا صافی‌های شیطانی متعددی که در سطوح مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تعبیه شده است، اجازه‌ی چنین کاری را نمی‌دهد و به صورت کاملاً طبیعی، هر عنصر ناهماهنگی را طرد می‌کند و به حاشیه می‌راند، در حالی که به صورت کاملاً عادی، هر عنصر هماهنگی را جذب می‌کند و به میزان هماهنگی‌اش مورد حمایت قرار می‌دهد. این است که به تدریج، عرصه‌ی جامعه، از خداپرستان خالی و از شیطان پرستان پر می‌شود، تا هنگامی که حکومت جهانی شیطان به مثابه‌ی واقعیتی بر روی زمین تحقق یابد و بدون نگرانی، نقاب‌های گوناگون خود را کنار زند و آشکارا به رسمیت شناخته شود، تا جایی که همگان در برابرش به خاک افتند و آن را با انگشت نشان دهند و بگویند: زنده باد حکومت سرورمان شیطان! از اینجا دانسته می‌شود که دشمنی شیطان با انسان، یک دشمنی نمادین و غیر واقعی نیست و به وسوسه کردن او برای انجام کارهای زشت فردی محدود نمی‌شود، بل یک دشمنی عینی و تمام عیار است که شؤون مختلف اجتماعی را در بر می‌گیرد و به سوی اهداف پلید او جهت می‌دهد؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ وَليَهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾؛ «به خدا سوگند به سوی امت‌هایی پیش از تو فرستادیم، پس شیطان اعمالشان را برایشان زینت داد، پس او امروز سرپرست آنان است و برای آنان عذابی دردناک است» و خطاب به او فرموده است: ﴿وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدْهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ

إِلَّا غُرُورًا»^۱؛ «و هر کس از آنان که توانستی را با آواز خود برانگیز و سواره و پیاده‌ی خود را بر ضدّ آنان جلب کن و در دارایی‌ها و نسل‌هاشان شریک شو و وعده‌ی شان بده و شیطان جز برای فریب وعده‌ی شان نمی‌دهد». این برنامه‌ای است که شیطان دنبال می‌کند و حامیان انسی و جنّی‌اش، در راستای آن کار می‌کنند، ولی روشن است که خداوند برنامه‌ی خودش را دارد و برنامه‌ی او دقیق‌تر و سنجیده‌تر است؛ چنانکه فرموده است: ﴿وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ﴾^۲؛ «آنان برنامه می‌ریزند و خداوند برنامه می‌ریزد و خداوند بهترین برنامه‌ریزان است» و فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾^۳؛ «خداوند به کار خودش رسنده است، فقط برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است»^۱.

لذا مردم باید بدانند شیطان و حزبش برنامه‌ی پیچیده‌ای را در دست دارند که بر طبق آن کار می‌کنند و آن را بر سرتاسر جهان پیاده نموده‌اند. همان گونه که خداوند و حزبش را برنامه‌ای است که سرانجام بر برنامه‌ی شیطان پیروز خواهد شد. ما باید برنامه‌ی شیطان را بشناسیم تا بتوانیم از آن بر حذر باشیم. برنامه‌ی شیطان برنامه‌ای همه‌جانبه است که برای نابود کردن تمام ابعاد زندگی بشر ریخته شده است. یکی از بنیادی‌ترین ابعاد این برنامه هم برنامه‌ی مالی و اقتصادی است. سیستم حاکم بر بانکداری در جهان امروز سیستمی کاملاً ربوی و شیطانی است و جای بسی تأسف است که کشورهای اسلامی که ادّعای مسلمانی دارند، در حالی دم از بانکداری اسلامی می‌زنند که تمام سیستم مالی‌شان مبتنی بر سود بانکی و رباست و تحت عناوین گوناگونی آن را توجیه شرعی می‌کنند. بانک‌های کشورهای اسلامی بر سر سود بیشتر و در واقع نزدیکی بیشتر به شیطان با یکدیگر رقابت می‌کنند و گوی سبقت را حتی از بسیاری از همتایان کافر و مشرک خود ربوده‌اند و مردم مسلمان بدون توجه به این دام عظیم شیطان در آن می‌افتند و حتی گمان هم نمی‌برند که شیطان چه بر سرشان آورده است. در سیستم مالی تعریف شده در جهان، مبنای ربا و جنگ با خداوند توسط میلیاردها نفر امضا شده

۱. الإسراء / ۶۴

۲. الأنفال / ۳۰

۳. الطلاق / ۳

است و بی وقفه جریان دارد! علاوه بر این فاجعه‌ی قانونمند و رسمی، در معاملات و زندگی یومیه‌ی مردمان نیز ردّ پای این سیستم دجّالی به چشم می‌خورد. مردم به آسانی ربا می‌دهند و ربا می‌گیرند. دیگر به ندرت کسی پیدا می‌شود که قرض الحسنه بدهد! بلکه اگر پیدا شود مردم او را کم‌خرد و کم‌هوش می‌دانند و سرزنش می‌کنند! در حالی که دادن قرض الحسنه، لبیک گفتن به ندای پروردگار جهانیان است که فرمود: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً﴾! با تأمل در این قبیل آیات قرآن، انسان به شگفت می‌آید که مردمان چقدر دقیق و مو به مو آیات قرآن را زیر پا می‌گذارند و به ندای شیطان لبیک می‌گویند! خداوند عالم فریاد می‌زند: چه کسی است که به خاطر خداوند قرض الحسنه بدهد و ربا نگیرد تا خداوند برای او چند برابر گرداند؟! اما کسی پرداخت نمی‌کند! در نقطه‌ی مقابل ابلیس لعین فریاد می‌زند که چه کسی است که ربا بدهد و ربا بگیرد تا با او به جنگ با خدا برویم؟! و بیشتر مردمان و بزرگان‌شان او را اجابت می‌کنند! انا لله و انا الیه راجعون! باید از این فتنه‌ی هولناک به خداوند پناه برد. بی گمان خداوند تنها به حرمت خلیفه‌ی خودش و اولیاء اوست که صبر فرموده است و زمین را با آتش خشم خود نمی‌سوزاند و زیر و رو نمی‌کند!

بالجمله در حوزه‌ی اقتصاد یک مشارکت کامل و واقعی (و نه نمادین و خیالی) میان مردمان جهان و ابلیس لعین وجود دارد. اما این پایان کار نیست بلکه آغاز ماجرای غم‌انگیز انحطاط انسان است؛ زیرا مشارکت شیطان در اموال مردم به مشارکت او در اولاد آن‌ها می‌انجامد و این چیزی است که خداوند سبحان از آن خبر داده است: ﴿وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ﴾. این بدان جهت است که همان‌طور که گفته شد، این اموال آلوده به رجس و خبث ابلیس لعین، طعمی را می‌سازد که مردم از آن تغذیه می‌کنند و رشد می‌نمایند و نسل‌ها را می‌سازند. این اموال آلوده به نفّس منحوس ابلیس خبیث، خشت‌های خانه‌هاشان و دیوارهای مساجدشان و صندلی‌های مدرسه و دانشگاهشان و جاده‌های شهرشان را می‌سازد! به راستی آیا امید به خیر می‌توان برد به نطفه‌ای که با طعام حرام به هم رسیده است؟ آیا زیر سقفی که از حرام بنیان شده است می‌توان خانواده‌ای را ساخت که بنیاد

جامعه‌ای پاک و متعالی باشد؟ آیا در مسجدی که با مال شبهه‌ناک بنا شده است و بنیانش بر پایه‌ی تقوا نیست، هدایت شکل می‌گیرد و دعوت حق لبیک گفته می‌شود؟! یا اینکه ضلالت ترویج می‌گردد و از راه خدا باز داشته می‌شود؟! ﴿أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ﴾^۱.

بنابراین باید دست از ساده اندیشی و تغافل برداریم و تا آن جا که می‌توانیم نسبت به نظام شیطانی دجال که درست در نقطه‌ی مقابل نظام الهی خلیفه‌ی خدا حضرت مهدی علیه السلام است، آگاهی یابیم و آگاهی‌رسانی و روشنگری کنیم و تا آن جا که می‌توانیم اموال و اولاد خود را و طعام و نسل‌های خود را از لوث شیطان رجیم و حزب سرنگونش پاک سازیم تا زمینه‌ی ریشه‌کن کردن کامل نظام شیطان و نابودی نهایی برنامه‌ی او، با تحقق خلافت خلیفه‌ی خدا بر روی زمین محقق شود ان شاء الله.

امید است که برادران و خواهران مسلمان با بهره‌گیری از کلام رهبر آزاده و راستین خود جناب علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، دشمن‌شناسی واقعی داشته باشند و در فتنه‌ی سهمگین آخر الزمان که از همه سو رو آورده است، جان و مال و دنیا و آخرت خود را از شرّ شیاطین جنّی و انسی، با تمسّک به الله نجات دهند و حفظ نمایند؛ چراکه او بهترین مولا و بهترین یاور است؛ چنانکه می‌فرماید: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ﴾^۲.



۱. التوبة / ۱۰۹

۲. الحج / ۷۸

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.